

دغدغه

بررسی اجمالی جابه‌جایی سردفتران و دفترباران

محمد اسماعیل اشکذری^۱

نگارنده معتقد است که نقل و انتقالات سردفتران و دفترباران، از دیدگاه اجتماعی، اقتصادی و اداری پیامدهای متفاوت به دنبال دارد. از همین رو، پس از بررسی آسیب‌شناسانه‌ی موضوع، یکی دو پیشنهاد ارائه می‌شود.

از آنجایی که در علم حقوق، اصل این است که وضع قانون، عیب و بیهوده نمی‌باشد و مقنن، حکیم و دانا است و قانون‌گذار نیز با دقت و ظرافت در ماده‌ی ۵ ق.د.ا.ر.ک. به بیان نصاب جمعیت و ضابطه تعداد دفاتر پرداخته است؛ لذا بدیهی است هرگونه تصمیم‌گیری، باید بر مبنای آن اتخاذ گردد.

۱- از دیدگاه اجتماعی؛

همه می‌دانیم یکی از اهداف تأسیس و تشکیل همه حکومت‌ها و دولت‌ها، برقراری نظم و انضباط اجتماعی است تا در سایه آن افراد بشر در جهت تکامل روحی و انسانی و

۱. سردفتر دفتر اسناد رسمی شماره ۷۰ مشهد، کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی و رئیس هیئت مدیره کانون سردفتران و دفترباران استان خراسان رضوی.

الهی خویش گام بردارند. لذا به نظر می‌رسد، با توجه به این که تقاضای عمده نقل و انتقالات، جنبه مادی دارد، اصل نقل و انتقال دفاتر، مقدمه‌ی مهاجرت از روستاها به بخش‌ها و شهرها را فراهم می‌آورد. و نقاط دورافتاده‌ی کشور از دفترخانه محروم و مراکز استان‌ها را با انبوهی از دفاتر مواجه می‌سازد. و بسی روشن است که این سیکل، توقف‌ناپذیر است.

۲- از دیدگاه اقتصادی:

با عنایت به این که از طرفی، اساساً تعداد اسناد تنظیمی معین و محدود است و از طرف دیگر، تبلیغات در حرفه‌ی سردفتری، جایز نیست. و جایگاه سردفتری منصرف از بازاریابی و جلب درآمد بیشتر است. و نظر به این که سردفتر ناچار به پیش‌بینی هزینه و درآمد، در قالب یک بودجه ذهنی و عینی است، تا به تأسیس دفترخانه با رعایت تشریفات قانونی اقدام نماید یا به کلام دیگر، تأسیس و ادامه حیات دفاتر اسناد رسمی و کارکنان آن، بسته به اداره اقتصاد دفترخانه است. و این همه مقنن را به بیان نکته مهم به عنوان نصاب و ضابطه در ماده‌ی ۵ ق.د.ا.ر.ک. واداشته است. لذا به نظر می‌رسد؛

نقل و انتقال سردفتر، حکماً و جبراً، حد نصاب و ضابطه و تعادل اقتصادی دفاتری که قبلاً هزینه‌هایی را در مقام تأسیس و یا تربیت نیروی انسانی و یا جذب پرسنل اداری متقبل گردیده‌اند، به هم خواهد ریخت و با نقل و انتقال چند و یا حتی یک سردفتر، باعث بیکاری و انحطاط خصوصاً در بخش‌ها و شهرهای کوچک کشور می‌شود و این امر، به معنای هرج و مرج و بی‌نظمی در اقتصاد دفاتر اسناد رسمی است.

۳- از دیدگاه حقوقی و اداری

الف- از این جهت که تقاضای نقل و انتقال، عموماً با جلب نظر اداره ثبت محل و یا استان و نهایتاً، موافقت سازمان ثبت است و این امر، عموماً فشارهای سیاسی، اجتماعی مقامات و افراد ذی‌نفوذ محلی، استانی و کشوری را به دنبال دارد و خدای ناخواسته، زمینه‌های اعمال نفوذ و بی‌عدالتی را فراهم می‌سازد و فارغ از این امر مقامات اداری و

استانی و یا ستادی سازمان ثبت را از اقامه و اجرای وظایف اصلی و اساسی و سازمانی خویش بازمی‌دارد. بدیهی است، انرژی ایشان را در خدمت بیشتر ضایع و تباه می‌سازد.

ب - دور از ذهن نیست که سردفترانی با سال‌ها فعالیت و کسب قدرت مادی و تنظیم اسناد بی‌شمار، حال، با نقل و انتقال، انبوهی از اسناد و دفاتر و مدارک را به دوش همکار دیگری وامی‌گذارند و او را به هزینه‌های محل نگهداری و پاسخ‌گویی متحمل می‌سازند و این امر، برخلاف وجدان و انصاف به نظر می‌آید.

ج - نقل و انتقال یک سردفتر به حوزه ثبتی دیگر در حکم تأسیس دفترخانه جدید و موجب افزایش دفترخانه در آن حوزه است. لذا این امر، برخلاف ماهیت وجودی ماده‌ی ۵ ق.د.ا.ر.ک. است که در مقام بیان ضابطه و نصاب تعداد دفاتر می‌باشد.

د - با توجه به این که امنیت شغلی و امنیت اقتصادی، دو رکن مهم، برای ادامه حیات اعضای جامعه است و مستفاد از قاعده فقهی «لاضرر و لااضرار فی الاسلام» می‌توان گفت نقل و انتقال دفاتر نباید متضمن ضرر به سایر اشخاص باشد و یا امنیت شغلی و اقتصادی دیگر دفاتر اسناد رسمی را فرو ریزد.

نتیجه و پیشنهاد:

با توجه به این که همه ساله سازمان ثبت، وفق قانون نیاز واحدهای ثبتی کشور را به تأسیس دفترخانه به آحاد متقاضیان اعلام می‌دارد و همگان، رأساً و شخصاً و با اختیار و انتخاب و اراده آزاد و با اطلاع از محل تأسیس دفترخانه و شرایط خود، از حیث علمی و اقتصادی و اجتماعی در مقام انتخاب برمی‌آیند، بدیهی است چنانچه بعداً از این حیث پشیمان و منصرف شوند، آنچه حاصل گردیده ناشی از تصمیم خویش بوده است. لذا در اصطلاح حقوقی، ایشان، مصداق قاعده «اقدام علیه خویش» اند و به کلام دیگر، «خودکرده را تدبیر چیست؟».

بدین جهت، به نظر می‌رسد اصل نقل و انتقالات با توجه به مبانی و اصول بالا، غیرقابل پذیرش و مردود است لیکن در مواردی که خارج از اراده‌ی سردفتران، هم‌چون

وقوع جنگ، حدوث بیماری صعب‌العلاج می‌باشد باید تمهیدی اندیشید تا نامبردگان با دریافت حقوق بیکاری و یا ازکارافتادگی چاره‌ی گره خویش بکشایند.

پیشنهاد اول: هرگونه نقل و انتقال مستلزم شرکت در آزمون سردفتری می‌باشد؛ چه این که اساساً سازمان ثبت با اجرای ماده‌ی ۵ ق.د.ا.ر.ک. سطح علمی و ضابطه و نصاب و نظم و انضباط اجتماعی و با رعایت قانون و شرایط مساوی برای همه متقاضیان، مقدمات انتخاب محل تأسیس دفاتر را به وجود می‌آورد.

پیشنهاد دوم: در مواردی که نقل و انتقال، خارج از اراده متقاضی است با پذیرش اصل جابه‌جایی سردفتران با یکدیگر و وضع حدود و مقررات آن می‌توان از آثار منفی اصل نقل و انتقال یک‌طرفه که شرح آن گذشت، بر حذر بود.

